



جمهوری اسلامی ایران
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

جلو‌های بزه‌دیده‌شناسانه سند الگوی اسلامی – ایرانی پیش‌رفت در پرتو سه‌گانه “بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد – عدالت‌بنیاد – حمایت‌بنیاد” مهرداد رایجیان اصلی

عضو هیئت علمی گروه حقوق و فقه در پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان مطالعه و تدوین: سمت): m.rayejian@samt.ac.ir

چکیده

سند الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، یکی از سندهای بالادستی در سطح سیاست‌گذاری کلان مملکتی است که از زاویه‌های گوناگونی می‌توان مفاد آن را خواند و بررسی کرد. یکی از دیدگاه‌هایی که در این خوانش ضروری به نظر می‌رسد، بررسی بازتاب‌های بزه‌دیده‌شناسانه در این سند است. بزه‌دیده‌شناسی به عنوان یکی از قلمروهای علمی و مطالعاتی، دربرداشته‌های جالب و مهمی دارد که به نظر می‌رسد دست کم بخشی از آن در مفاد سند الگو بازتاب یافته اند. از این رو، بررسی این بازتاب‌ها و برداشت‌ها، موضوع مقاله کنونی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، مسئله اساسی مقاله بر پایه سه رهیافت بزه‌دیده‌شناسانه که به ترتیب، حق‌بنیاد، عدالت‌بنیاد و حمایت‌بنیاد نامیده می‌شوند، سازمان‌دهی شده است. رهیافت حق‌بنیاد، حق‌های بنیادی و ویژه بزه‌دیدگان را شناسایی می‌کند. رهیافت عدالت‌بنیاد، به تضمین این حق‌ها در چارچوب سامانه دادگستری جنایی می‌پردازد. سرانجام، رهیافت حمایت‌بنیاد، توجه به بزه‌دیدگان را در چارچوب یک الگوی حمایتی کلان، فراتر از سامانه حقوقی– قضایی، به سامانه اجتماعی می‌گستراند. از آنجا که چگونگی اجرای مفاد سند الگو در سطح سیاست‌گذاری‌های عملی و اجرایی ممکن است با چالش‌هایی روبه رو باشد، مقاله نتیجه می‌گیرد که سیاست‌گذاری در زمینه بزه دیدگان باید تابعی از سیاست‌گذاری کلان در سند الگو باشد تا از وضع و اجرای قانون‌ها و رویه‌های متفاوت بلکه متعارض در این حوزه جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیدگان، سیاست‌گذاری، رهیافت حق‌بنیاد، رهیافت عدالت‌بنیاد، رهیافت حمایت‌بنیاد.

مقدمه

بزه دیده (قربانی/آماج جرم) واقعیتی در نظام های حقوقی و اجتماعی جوامع مختلف است که در فرایند دسترسی و تحقق عدالت یا دادگری نقش و جایگاه ممتازی دارد. بزه دیدگان نه تنها در به جریان انداختن چرخ های سامانه دادگستری جنایی نقش ایفا می‌کنند، بلکه با مشارکت در فرایند رسیدگی های جنایی، در تحقق دادگستری (عدالت) جنایی نیز جایگاه مهمی دارند. آنها نه تنها شایسته بهره‌مندی از حق های بنیادی انسانی اند، بلکه به منظور جبران و ترمیم آثار بزه دیدگی وارد بر خود، نیازمند و شایسته توانمندسازی و توان بخشی هستند.

همه متغیرهای یاد شده (یعنی دست رسی به عدالت و دادگستری و تحقق آن؛ اقدام به آغاز فرایند دادگستری جنایی؛ مشارکت در آن فرایند؛ و مطالبه جبران و ترمیم)، در یک قلمرو علمی و دانشگاهی به نام «بزه‌دیده‌شناسی» مطالعه می‌شود. اگرچه مطالعات بزه دیده شناسی در جهان از دهه ۴۰ میلادی، با رهیافتی علمی – تجربی (علت‌شناسانه) به نقش سرزش آمیز بزه دیده در فرایند رخداد جرم آغاز شد (وان دیک، ۱۳۸۷: ۴۳۸)، ولی از نیمه دوم سده بیستم، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، با رهیافتی اجتماعی– حقوقی رنگ حمایتی به خود گرفت. این جنبه که در نوشتگان دانشگاهی از آن به «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی» نیز یاد می شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۹)، به گفتمان سیاست‌گذاری‌های حقوقی سازمان ملل متحد در سطح بین‌المللی نیز راه پیدا کرد (نجفی ابرندآبادی،) و امروز با گذشت چند دهه، از هنجارهای جهانی آن به «بزه‌دیده‌شناسی آبی» نیز یاد می شود. درون‌مایه این قلمرو مطالعاتی، با تمرکز بر رهیافت معاصر و امروزی آن، از سه مفهوم کلیدی تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: حق (و جمع آن: حق‌ها)، عدالت (دادگری)، و حمایت. این کلیدواژگان مفهومی سه‌گانه در این قلمرو مطالعاتی را خلق می‌کنند که به ترتیب: بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد، بزه‌دیده‌شناسی عدالت بنیاد، و بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌بنیاد نامیده می شوند. بزه دیده شناسی حق‌بنیاد، با فرض گرفتن مفهوم کلیدی «حق»، بر شناسایی حق‌های بنیادی و ویژه برای بزه دیدگان در یک سامانه حقوقی (اعم از سطوح قانون گذاری و قضایی)، تأکید می‌ورزد. ستون‌های دوگانه این حق های بنیادی و ویژه برای بزه دیدگان عبارت اند از رفتار دادگرانه یا منصفانه با بزه دیده (یعنی رعایت احترام به او بر پایه اصل زیربنایی کرامت انسانی)، و دست رسی به دادگری یا عدالت (یعنی فراهم ساختن امکان مراجعه به مرجع‌های قانونی و قضایی برای مطالبه جبران و ترمیم بزه دیدگی وارد بر خویش).

با توجه به پیوند این ستون حق‌بنیاد با مفهوم «دادگری یا عدالت»، بزه‌دیده‌شناسی عدالت‌بنیاد به عنوان دومین ضلع این سه‌گانه، با فرض گرفتن این مفهوم کلیدی، حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان را تضمین می‌کند. بزه‌دیده‌شناسی عدالت‌بنیاد، در واقع، ضمانت‌اجرای حق‌های شناسایی‌شده و رسمی یا قانونی بزه دیدگان در سطح عمل و اجرا است که محل تحقق آن، سامانه دادگستری جنایی در دستگاه قضایی شمرده می‌شود.

سرانجام، بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌بنیاد، با فرض گرفتن مفهوم کلیدی «حمایت»، توجه به بزه‌دیدگان را فراتر از سطوح رسمی (قانون گذاری، قضایی و اجرایی)، به کل یک سامانه اجتماعی می‌گستراند. به سخن دیگر، اگر دو مفهوم «حق» و «عدالت»، به عنوان یک کلیدواژه حقوقی و قانونی، مستلزم سازوکارهای سه قوه حاکمیتی (قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی) هستند، مفهوم «حمایت»، به عنوان یک کلیدواژه اجتماعی– جامعه‌وی، وجود یک سامانه کلان اجتماعی را برای پوشش دادن گونه های مختلف حمایت از بزه دیدگان ایجاب می‌کند. بدین سان، مفهوم حمایت در بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌بنیاد، دارای دو جنبه رسمی (حاکمیتی: دولتی/حکومتی) و نارسمی (اجتماعی/جامعوی) ست. در بخش رسمی، گونه‌های حمایتی مانند حمایت‌های کیفری (ماهوی و شکلی) قرار دارند و در بخش نارسمی، گونه‌هایی مانند حمایت‌های مالی/اقتصادی و اجتماعی قرار می گیرند.

با معرفی سه‌گانه مفهومی بزه‌دیده‌شناسی، اینک می توان به مسئله اساسی این مقاله رسید که عبارت است از طرح این پرسش که چگونه می توان به رکن های مفهومی این سه گانه در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان در یک جامعه تحقق بخشید؟ از یک دریچه بومی‌نگر، با تمرکز بر جامعه ایران، مسئله اساسی مقاله را چنین می توان بازاندیشی کرد که با فرض گرفتن یک الگوی اسلامی– ایرانی برای این جامعه، سه‌گانه مفهومی بزه‌دیده‌شناسی چگونه می تواند در سطح یک سیاست‌گذاری کلان جامه عمل به خود ببوشد؟

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی– تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای سازمان‌دهی شده است.

سز و همین‌کین سراسر اس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چالش‌ها و راهکارهای تحول‌کشور بر اساس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱۱

نتایج و بحث

بزه‌دیدگان به عنوان اشخاص و آماج هایی که در برابر جرم و سوءاستفاده از قدرت، آسیب‌پذیراند، برای جبران و ترمیم بزه‌دیدگی شان و پیشگیری از تکرار آن، نیازمند بهره‌مندی از حق‌های بنیادی و ویژه‌ای هستند که باید از گذر سازوکارهای دسترسی به دادگستری یا عدالت تضمین شوند. همچنین، آنان شایسته بهره‌مندی از حمایت‌هایی فراتر از یک سامانه حقوقی– قضایی، بلکه در یک سطح گسترده اجتماعی هستند. این حق‌ها، سازوکارها و تدبیرها در چارچوب یک بسته علمی– نظری از رهیافت‌های سه‌گانه (حق‌بنیاد – عدالت‌بنیاد – حمایت‌بنیاد) تبیین‌شدنی اند و در یک فرایند نظر به عمل، از سطح مفهومی– نظری، به سطح سیاست‌گذاری‌های عملی و اجرایی تحقق‌پذیراند.

به منظور تعریف و شناسایی این فرایند نظر به عمل در پرتو یک الگوی مناسب، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به عنوان یک سند بالادستی در سطح سیاست‌گذاری کلان، مرجع مناسبی به شمار می‌رود. اگرچه سند الگو هنوز در مرحله پیش‌نویس و آزمون و خطا قرار دارد، ولی از گذر مطالعه ها و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی، می‌توان به گذشتن آن از صافی‌های کارشناسانه و تخصصی برای رسیدن به یک الگوی جامع پیشرفت در آینده بیش رو امیدوار بود. برای رسیدن به چنین هدفی، لازم است تدوین‌کنندگان سند (با محوریت مرکز الگوی اسلامی– ایرانی پیشرفت)، هماهنگ با دیگر بخش‌های سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مملکتی قرار داشته باشند تا برون‌داد و فرآورده این سیاست‌ها در قالب قانون‌ها، مقرره‌ها و رویه‌های عملی و اجرایی، هم‌سو با مفاد سند الگو پیش‌بینی، وضع و اجرا شوند و از چالش های احتمالی در وضع و اجرای سیاست های ناهماهنگ و متعارض جلوگیری شود.

در پهنه بزه‌دیدگان نیز با توجه به بازتاب‌ها و برداشت‌های بزه‌دیده‌شناسانه سند الگو، هر گونه سیاست‌گذاری در سطوح تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی، باید هم‌راستا با مفاد این سند صورت پذیرد تا از وضع و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت، بلکه متعارض، به عنوان یک چالش جلوگیری شود. به باور نگارنده، برداشت‌های بزه‌دیده‌شناسانه بازتاب‌یافته در سند الگو، می‌تواند چارچوب خوبی برای سیاست‌گذاری در حوزه بزه‌دیدگان باشند. این سیاست‌گذاری می‌تواند با تصویب یک قانون ویژه حمایت از بزه دیدگان، که بسته سه‌گانه‌ای از حق‌ها، سازوکارهای عدالت و تدبیرهای حمایتی را دربرداشته باشد، جامه عمل ببوشد. در این صورت، مقرره‌های مندرج در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (با اصلاحات و الحاقات بعدی آنها)، که هم اکنون شکل متفرق و پراکنده‌ای دارند، می‌توانند بر پایه چنین قانون ویژه‌ای، بازنگری شوند.

با پیش‌بینی یک قانون جامع بزه‌دیدگان، دست‌اندرکاران قضایی و اجرایی (با تمرکز بر سامانه دادگستری جنایی) نیازمند آموزش برای اجرای بهتر مفاد آن قانون و نیز نیازمند سازوکارها و نهادهایی برای بزه‌دیدگان (هم‌سو با مقرره‌های آن قانون ویژه) خواهند بود. یکی از این نهادها که در این جا می‌توان پیشنهاد داد، راه‌اندازی یک پلیس ویژه بزه دیدگان خاص در سطح نیروی انتظامی (به عنوان ضابط دادگستری) است که می تواند به حمایت‌های پلیسی از گروه‌های خاص بزه‌دیده (مانند کودکان، کم‌توانان و سالمندان) بپردازد. بازبینی مقرره‌های مربوط به پرونده شخصیت در قانون آیین دادرسی کیفری در قالب گستراندن آن به بزه دیدگان نیز می تواند پیشنهاد دیگری باشد که به دستگاه قضایی این امکان را می دهد تا با تشکیل چنین پرونده‌ای با کمک متخصصان جرم‌شناسی، روان‌شناسی و مددکاران اجتماعی، بتواند از تکرار بزه‌دیدگی‌های مشابه که سامانه دادگستری جنایی را درگیر می‌کنند، پیش‌گیری کند.

پیشنهادها

با پیش‌بینی یک قانون جامع بزه‌دیدگان، دست‌اندرکاران قضایی و اجرایی (با تمرکز بر سامانه دادگستری جنایی) نیازمند آموزش برای اجرای بهتر مفاد آن قانون و نیز نیازمند سازوکارها و نهادهایی برای بزه‌دیدگان (هم‌سو با مقرره‌های آن قانون ویژه) خواهند بود. یکی از این نهادها که در این جا می‌توان پیشنهاد داد، راه‌اندازی یک پلیس ویژه بزه دیدگان خاص در سطح نیروی انتظامی (به عنوان ضابط دادگستری) ست که می تواند به حمایت‌های پلیسی از گروه‌های خاص بزه‌دیده (مانند کودکان، کم‌توانان و سالمندان) بپردازد. بازبینی مقرره‌های مربوط به پرونده شخصیت در قانون آیین دادرسی کیفری در قالب گستراندن آن به بزه‌دیدگان نیز می تواند پیشنهاد دیگری باشد که به دستگاه قضایی این امکان را می دهد تا با تشکیل چنین پرونده‌ای با کمک متخصصان جرم‌شناسی، روان‌شناسی و مددکاران اجتماعی، بتواند از تکرار بزه‌دیدگی‌های مشابه که سامانه دادگستری جنایی را درگیر می‌کنند، پیش‌گیری کند.

منابع

ابراهیمی، پیمان. (۱۳۸۴). بزه دیده به منزله شاکي و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۶۹(شماره ۵۳–۵۲)، ۲۸۷–۳۲۴.

بسیونی، محمدشریف (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی، جلد دوم: شناسایی بین المللی حق های بزه دیدگان، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی (شهر دانش).

حاجی صادقی، عبدالله، بخشیان، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طویه از منظر قرآن. انسان پژوهی دینی، ۱۱(۳۱)، ۱۶۵–۱۸۵.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳). بازاندیشی دادرسی دادگرانه در پرتو اصل هم‌ترازی حق‌های بزه دیده و متهم، مجله پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۲ (۷): ۱۴۸–۱۳۱.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). بزه دیده شناسی، جلد یکم: درس گفتارهای تألیفی، چاپ دوم (ویراست نخست)، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی (پژوهشکده حقوق شهر دانش).

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم (با ویرایش و افزوده های جدید)، نشر دادگستر.

شریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۸). نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فلاحی، یزدان، محمدی، شهرام، و جعفری، محمدجواد. (۱۳۹۸). بازخورد رهیافت‌های بزه‌دیده شناسی ثانویه در نظام کیفری ایران. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۲(۴): ۹۵۹–۹۸۲. doi: 10.30510/psi.2022.329809.3118

مجمع تشخیص مصحلت نظام (۱۴۰۲). متن ابلاغی سند الگوی اسلامی ـایرانی پیش‌رفت از سوی رهبر انقلاب، ۲۲/۰۷/۱۳۹۷، پایگاه اطلاع رسانی مصحلت، در: https://maslahat.ir/fa/news/5040

مرادی، قاسم (۱۳۹۷). اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه، مجله جستارهای حقوق عمومی سال دوم، شماره ۴: ۴۵–۳۱.

مرکز الگوی اسلامی – ایرانی پیش رفت (بی تا). الگوی اسلامی – ایرانی پیش رفت (پیش نویس سند)، در:

https://olgou.ir/images/plgou/sanad-virastari-14/pdf (25/10/1402)

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). عدل الهی، (مجموعه آثار ج ۱) تهران: انتشارات صدرا.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). از حقوق جنایی تا علوم جنایی، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاددکتر محمد آشوری)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

وان دیک، یان جی. ام. (۱۳۸۷). درآمدی بر بزه دیده شناسی، ترجمه و تلخیص: مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۴۸: ۴۵۹–۴۳۱.

Dussich, John (2016). Blue Victimology and Femicide: The United Nations’ Response to Victims and Female Victims of Gender Killings. In: Kury, H. & Redo, S. [eds]. Women and Children as Victims and Offenders: Background, Prevention, Reintegration (pp.47-65)